

هر شب ستاره ای را به بند می کشید اما / این آسمان غم زده هنوز غرق ستارهاست

در شرایطی که ده ها تن از رفقای مان در بند هستند و ده ها تن دیگر هر لحظه امکان بازداشت و احضار دارند. در شرایطی که هر تلفنی نگرانم می کند. هر تماسی بوی یک خبر بد دیگر می دهد. بوی بازداشت بوی دوری از رفقایم را می دهد این چند خط را می نویسم. برای تک تک رفقای که اکنون در بازداشت هستند. برای آن کسانی که دوست شان می دارم حتی اگر با هم کلی دعوا کنیم. حتی اگر اختلافات شدید تئوریک و نظری داشته باشیم. برای کسانی می نویسم که اگر آنان نبودند به واقع جهان جایی بسیار زشت تر از اکنون بود برای زیستن مان! برای کسانی می نویسم که دوست شان دارم. دوست دارم در خیابان در دانشگاه در کافه در هر کجایی به غیر از زندان با هم دعوای بکنیم. با هم بحث بکنیم حتی دست به یقه شویم اما به هیچ عنوان دوست ندارم در زندان باشند. دوست ندارم که دیوارها و میله ها ما را از هم جدا کند.

زندان جزیی از دستگاه سرکوب طبقه حاکم است. در این جا هر کس با هر مرام و گرایش سیاسی و هر اختلاف نظری که با دیگران دارد باید برای دفاع از انسانیت برای دفاع از جوهره ی زندگی از تمامی بازداشت شدگان و رای گرایش ساسی شان دفاع کند. در میان این ۱۰ تن یا شاید تا الان بیشتر هم شده باشند هستند کسانی که به طور قطع اختلافات تئوریک و عملی بسیاری با هم داریم. هستند کسانی که بسیار با هم جدل و دعوای تئوریک و قلمی و... داریم اما درست در همین لحظه است که باید در دفاع از حق انسانی آنان به آن "دیگری بزرگ" نشان دهیم که ما متفاوتیم. ما می خواهیم انسانی زندگی کنیم. ما جهان بهتری را می خواهیم بسازیم پس از همین جا آغاز می کنیم با وجود تمام اختلاف نظرات با این رفقای مان از آنان دفاع می کنیم. محکم تر از همیشه نیز از آنان دفاع می کنیم. نه تنها از رفقای چپ مان که از تک تک انسان هایی که برای آن چیزی که خود حق می پندارند به زندان افتاده اند!

دلم می خواهد تمام بچه ها را با دستان خود آزادکنم. که با هم تجربه کنیم بدی ها و خوبی هایمان را! با هم رفاقت کنیم. با هم کار جدی کنم. با هم دعوا کنیم با هم قهر کنیم با هم آشتی کنیم. رفقای که از تک تک شان کلی خاطره در ذهنم نقش می بندد وقتی چشمان مناکم را برای چند لحظه می بندم.

رفقایمان را با تلاش خودمان باید آزاد کنیم. هر کس به اندازه ی توانش! امیدوارم فردا تک تک شان را در کنار خود بیابم!

در آخر این نوشته یاد این شعر افتاده ام! که شاعری شاید گم نام شاید هم خوش نام
و.... سروده است: هر شب ستاره ای را بر خاک می کشند/ اما این آسمان غم زده
هنوز غرق ستاره هاست!

آقایان! ای بالایی ها! ای مسلمانان! ای صاحبان ابزار تولید خشونت و سرکوب! در
سرتاسر تاریخ هر شب ستاره ها را در بند می کشیده اند اما آسمان زندگی انسان ها
همیشه غرق ستاره ها بوده است!

پ.ن: عکس زندانیان سیاسی را در **آفیش 16 آذر** ببینید. جای بسیاری خالی است. اما
امیدوارم جای همه را خالی کنیم برای آزادی زندانیان باید زندان را نابود کرد.

سعی کردم اسامی برخی از زندانیان دربند را جمع آوری کنم. واقعا تاسف برانگیز است
که آن قدر زیادند که نام برخی به طور قطع جا می ماند اما در حد توانم همین مقدار را از
ما قبول کنید.

فعالان جنبش زنان: مریم حسین خواه، جلوه جواهری، روناک صفارزاده و هانا عبدی

فعالان جنبش کارگری: محمود صالحی، منصور اسالو، ابراهیم مددی و رضا دهقان

متأسفانه نمی دانم در زندان های آذربایجان و کردستان و خوزستان و سیستان و
بلوچستان و شهرستان ها دیگر چه می گذرد اما از ویلاگ **هژیر** این چند اسم را برداشته
ام: سعید متین پور، لیلا حیدری، بهروز صفری، جلیل غنی لو، رضا متین پور، عدنان حسن
پور، هیوا بوتیمار، صالح کامرانی و عباس لسانی و ده ها و شاید صد ها تن دیگر که حتی
نام شان را نمی دانم!

و اما دوستان و رفقای دانشجوییم: احمد قصابان، احسان منصوری و مجید توکلی از
دانشجویان پلی تکنیک و هدایت غزالی و صباح نصری هر دو از دانشجویان کرد و جواد
علیخانی از دانشجویان دانشگاه چمران علی نیکونسبتی و علی عزیزی از اعضای دفتر
تحکیم وحدت و ۱۰ تن از رفقای چپ که این پست را با چشمان خیس به آنان تقدیم می
کنم: **انوشه آزادفر، الناز جمشیدی، احسان آزادفر، مهدی گرایلو، نادرا حسنی و**
سعید حبیبی آرش پاکزاد و حسن معارفی، بهروز کریمی زاده، کیوان امیری
الیاسی

می خواهم از کیوان بیشتر از بقیه بگویم چون این چند روز همیشه نگرانی هایم را غم هایم را
با او قسمت کرده بودم. رفیق کیوان امیری الیاسی بدان که اکنون در نگرانی هایم تنهائیم چون
تو کنارم نیستی! امیدوارم فردا باز هم در کنار هم نگران آینده باشیم!

پیام "کمیته دفاع از محمود صالحی" به مناسبت 16 آذر

آخرین اخبار مربوط به دانشگاه در آوای دانشگاه

برگزاری مراسم روز دانشجو
سه شنبه، سیزدهم آذر
مقابل دانشکده فنی دانشگاه تهران ساعت 12
چپ کارگری دانشگاه های ایران

سوسیالیسم تنها راه رهایی

اصلاحات مرد، زنده باد انقلاب

نان، صلح، آزادی

رهايي زن، رهايي جامعه است

تشکل مستقل دانشجویی تشکیل باید گردد

انترناسیونال است نجات انسانها

جنبش دانشجویی و جنبش زنان، متحد جنبش کارگری

